

نشده بود مورد شلیک قرار داد و مقاومت ساخلو چندان دوامی پیدا نکرد و بفاصله دو ساعت و نیم تمامشان اسلحه را ترك کرده بخانه های قلعه پناهنده شدند، اهالی هم از خوف جان خود بیجمله درب قلعه را باز و نمایندگانی بعنوان تسلیم خدمت نادر شاه فرستادند و معظم آنها آنها را جاناً و مالاً تأمین داده ولی عدم ساخلو قلعه را بطور اسیر به (البالیه) فرستاده و يك نفر هندی را هم به قرارگاه محمد شاه پادشاه هند فرستاد که سقوط قلعه را به او اطلاع دهد.

تسخیر و ضبط قلعه (عظیم آباد) در مدت کمی باعث وحشت و پریشانی هندیها شده قوای روحیه تمام قشون را متزلزل نمود. سران سپاه هند خیال داشتند که دو فوج یا هشت عراده توپ برای تزیید قوای ساخلوی قلعه بفرستند، هنوز این عده ها از کرناک راه نیافتاده بود که خبر سقوط و فاجعه قلعه عظیم آباد به گوش آنها رسید.

روز ۱۰ ماه فوریه نادر شاه از عظیم آباد حرکت نمود که در دوراها (کرناک) به استعداد کل برسد.

موقع ظهر عموم قوای ایران در جنوب شرقی عظیم آباد جمع شده و بعد از ظهر شروع بحرکت نمودند.

نادر شاه سپاه سوار را با يك فوج پیاده و پانزده عراده توپ تقویت داده و امر فرمود که امشب تا صبح راه پیمائی نموده قبل از طلوع آفتاب بسواران هند که در شمال قریه (شاه فیروز) میباشند غفلتاً حمله نمایند و در ضمن بتمام قسمتهای پیاده نظام امر شده است که فردا حرکت نمایند مطابق همین نقشه آن شب سپاه سوار تا صبح راه نیاموده ولی در موقع طلوع آفتاب مشاهده شد که هنوز يك فرسخ از راه باقی مانده است و این تأخیر بواسطه اشتیاق چندین بلد همراه بود لهذا باز به حرکات خود ادامه داده مقارن ظهر بسواران هند مجدداً تماس حاصل کردند. هندیها همین که از رسیدن سنا سوار ایران مطلع شدند قوای تأمینیه خود را تقویت و به يك مقاومت شدیدی مبادرت نمودند. سواران ایران چون عده سواران هند را از خود ضعیف تر دیدند لهذا بغوریت با شمشیر حمله نمودند. محاربه در حوضه دست راست جلگه در گرفت و جنگ چه از طرف روساء و چه از طرف عده ها با نهایت شجاعت بعمل آمد.

پس از يك مصادمه خونین سواران هند از میدان محاربه روگردانده بطرف کرناک عقب نشستند. چون تلفات سواران ایران خیلی زیاد بود لهذا آنطوریکه میبایست دشمن را تعقیب نمایند

ممکن نشد و پانزده نفر اسیری که مجروحاً دستگیر شده بودند فرماینده سپاه سوار به قرار گاه کل اعزام داشت. سواران هند تا حدود کرنال عقب نشستند.

روز بعد در قرار گاه کل هند اوضاع بکل تغییر نمود. محمد شاه موقع ظهر بفوریت شورای نظام را تشکیل داده برای جلو گیری از عملیات جسورانه ایرانیان نقشه دیگری تهیه نمود. در این نقشه چنین قید شده بود که بایستی جدا شروع به تعرض شود.

در موقع شور کفیل فرماندهی کل قوا (نظام الملک) مخالف با آراء سران سپاه بود. مشارالیه مصلحت بر این میدید که حالت دفاعی نسبت با اوضاع امروزه قشون بهتر خواهد بود فرمانده کل قوا (محمد شاه بدو) با این عقیده موافقت کرد ولی بعد بواسطه اکثریت آراء سران سپاه نقشه اول را بالاجبار بموقع اجرا گذارد.

آن روز از قرار گاه کل حکم صادر شد که قشون حاضر برای حرکت شود. بیسالیاری قشون به سردار (خان دوران) و فرماندهی سواره (سعادتخان) تفویض و بعد از ظهر قوا از کرنال حرکت نموده موقع غروب در سه فرستگی رودخانه (شاه فیض) اردو زد. آن شب محمد شاه انتظار داشت چهار هزار نفر قوای امدادیه که از دهلی دو روز پیش حرکت کرده بودند میبایستی در این نقطه به اردو ملحق شوند بر سندیلی این قوا در آن شب به محل مقصود رسید لهذا محمد شاه مجدداً تصمیم گرفت که در این نقطه یعنی در تپه های واقعه بین کرنال و نهر «شاه فیض» خطوط دفاعی مرتب نموده در حالت دفاعی اتخاذ نمایند. آن شب تمام افراد اردو مشغول ساختن استحکامات بودند. در این موقع که هندوها به این اقدام اشتغال داشتند، فرمانده کل قوای ایران در سه راهه (نار) تمام قوای خویش را جمع کرده و غافل از اینکه هندوها صحرائی کرنال را تخلیه و شروع بتعرض کرده اند، مصمم شد استعداد کل قوا را مستقیماً بطرف کرنال بفرستد و سپه سوار را مأمور کرد که از راه شمالی برای تهدید قوای هند عملیات دورانی انجام داده و سرعت خود را به دهلی برساند و پشت سر کرنال را احاطه و بدین وسیله رابطه قوای محمد شاه را با پایتخت مقطوع سازد. برای انجام این مقصود احکام لازم به رؤسای صنوف قشونی صادر شد.

روز پانزدهم ماه قوای ایران با آرایش جنگی بطرف رودخانه «شاه فیض» شروع

ب حرکت نمود.

استعداد کل با پنج ستون (نوبخانه در روی خط شوسه) پیادگان در طرفین راه بفاصله دو هزار قدم حرکت مینمودند.

سیاه سوار مطابق دستور نادر شاه شب یازدهم ماه قبل از استعداد کل حرکت در آمد بملاحظه اینکه از اوضاع جاده های آن سمت اطلاعات مکتبی در دست نداشت با کمال سختی آن شب تا صبح راه پیمائی نموده موقع طلوع آفتاب در شمال جناح راست جبهه قوای هند مصادف با یک عده سوار نظام هند شده شروع به زد و خورد مینمایند ولی بعد چون فرمانده سیاه ملتفت میشود که سواران هند نزدیک اردوگاه هستند و عده آنها بیش از ایرانیان میباشد فوریت سیاه سوار را جمع و عقب کشیده و از مصادمه طنره میبرد.

سیاه سوار از همان راهی که آمده بود مراجعت نمود و در بین راه بسه یک ستون قوای هند مصادف شده (عده سعادتخان) شروع بحرب مینمایند پس از ربع ساعت مصادمه قوای هندوا عقب میرانند و تمام بار و بنه قوای سعادت خان را ضبط نموده موقع غروب خود را به قرارگاه کل میرسانند.

فرمانده سیاه سوار را پورت جامع دار در محفوظ بودن جناح راست خصم و مسدود بودن راه دهلی تقدیم فرمانده کل قوا مینماید این خبر سبب میشود که نادر شاه از خیال احاطه دشمن از پشت سر و تهدید بابتخت منصرف گشته و با عموم قوا عبادت به تعرض نماید.

روز شانزدهم ماه قوای ایران باز با آرایش جنگی (سیاه سوار در جناح چپ) شروع بتعرض نموده موقع ظهر جاو داران ستونها بجایگاه «شاه فیض» میرسند و عصری طرفین در حوضه «شاه فیض» محاسن حاصل و شروع به زد و خورد مینمایند. شب طرفین با کمال جدت مشغول تهیه محاربه روز بعد میشوند.

طرفین عموم سوار نظام خود را در جناح شمالی تمرکز داده در خیال تهدید هم دیگر بودند و چون جناح جنوبی بواسطه صحرای بی آب و علف قایل عبور نبود لهذا طرفین بیشتر بجناح شمالی اهمیت میدادند. کثرت عده دستجات فیلهای قدون هند با اندازه باعث تشویش خیال سران سیاه ایران شده بود و از قرار معلوم به خرطوم فیلها شمشیری بسته بودند و این حیوان ها با ضربت خرطوم چندین نفر را از پا آورده بودند.

فرمانده کل قوای ایران در همان شب اول برای رفع تشویش خیال افراد و صاحب منصبان مقارن نصف شب سران سیاه را به قرارگاه کل احضار و به آنها اطمینان کامل داد که برای خنثی نمودن

عملیات فیل های مسلح خصم تدبیر مؤثری اندیشیده است و از این حیث بهیچوجه جای نگرانی نخواهد بود .

نادر شاه تمام شب به ترتیبات لازمه جنگ مشغول بود . مطابق اطلاعات فراولهای اطراف جبهه دفاعی هندیها قریب يك فرسخ طول دارد . ولی راجع به میزان استعداد او اخبار مختلف بود . عده قشون ایران که فردا میبایستی داخل نبرد بشود در مقابل هندیها کمتر بود و با اینکه در عرض راه با صدمه زیادی مصادف شده بود معینا عده حاضر آن شب به نود هزار نفر بالغ می شد .

قشون هند در مدافعه مشغول تحکیمات بوده و دستجاتی که در همان شب وارد صحرای کرناال شده بودند حکم شد که بفوریت تا صبح بجبهه دفاعی رسیده ، در جناح چپ جبهه قرار گیرند .

قشون هند با قوایی که تازه از پایتخت هند به کرناال رسیده و بنا است تا فردا صبح بجناح چپ جبهه برسند جمعاً به (۲۵۰۰۰۰) نفر سوار و پیاده تخمین میشود و (۳۰۰۰) عراده توپ سبك و سنگین بوده و دو هزار زنجیر فیل جنگی نیز آنها را تقویت میداد .

خلاصه ، فردا که میبایستی نبرد معروف کرناال شروع شود با وضعیت امروزه هندیها که از هر حیث تفوق کلی داشتند امری بس خطیر بنظر می آمد و بعلاوه جلو آمدن قوای هند از صحرای کرناال نشان میداد که خصم خود را برای تعرض نیز حاضر ساخته است .

ترتیبات جنگی هندیها عین ترتیباتی بود که در حدود صحرای کرناال اتخاذ نموده بودند .

۴ - شروع نبرد : روز هفدهم ماه صبح زود فرمانده کل قوای ایران آرایش

حربی خود را بطریق فیل مقرر داشت :

- ۱ - فراولهای جلو تماس خود را تا شروع به تعرض محافظت خواهند نمود .
- ۲ - در خط اول محاربه سوار های سنگین اسلحه با توپخانه سنگین که در جلو آنها زنبورك ها را قرار داده بودند که با حکم ثانوی شروع بتعرض مینمایند .
- ۳ - در خط دوم پیاده نظام سنگین اسلحه قرار میگیرد و برای تقویت حاضر شده با سایر دستجات تشریک مینمایند .



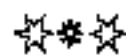
۴ - در جناحین جبهه تعرضی افواج سوار، یعنی سپاه سوار نظام در تحت ریاست حاجی بیك افشار در جناح چپ و افواج بختیاری در جناح راست قرار گرفتند که قبل از همه شروع بتعرض مینمایند.

۵ - در خط سوم باز افواج پیاده سبک قرار گرفته يك قسمت از این افواج برای محافظت بنه قشون مأمور بودند.

۶ - دستجات شتر برضد فیلهای خصم معین شده و در پشت خط اول قرار داشتند بونههای پشت آنها را در موقع تعرض آتش بزنند. (۲۴)

۷ - فراولان و سوارهای کشیک خانه فرمانده کل قوا در پیشاپیش تمام صفوف قرار گرفته و دستور داشتند نادر شاه را از تمام حرکات دشمن مستحضر نمایند.

۸ - فرماندهی مستقیم خط اول محاربه را خود فرمانده کل قوا بعهده گرفت و فرماندهی خط دوم به نصر الله میرزا و فرماندهی قوای جناح چپ کافی السابق با حاجی بیك افشار بود.



هنگام روز ظرفین به آرایش جنگی خود مشغول بودند. مشکلترین مسئله تعبیه کردن آتشبارهای سنگین بود زیرا که تیررس آنها برای سرکوبی استحکامات خط دفاعیه هندیها از مسافت زیاد ممکن نبود و لازم بود که آنها را خیلی نزدیک به جبهه دشمن بیاورند ولی اینهم اسباب خطر بود لذا قرار شد که شب هیجدهم ماه بتوسط توپچی های ماهر پانزده عراده توپ سنگین تا محلی

(۲۴) - ژنرال کیشمیش اوف در کتاب خود راجع به مقصود از تشکیلات دستجات شتر این طور مینویسد، فیل های هند در قشون يك صنف علیحدہ ای تشکیل میدادند. در صورتیکه در مقابل این صنف در قشون ایران چیزی موجود نبود، بنا بر این نادر شاه مجبور شد برای غنای نمودن عمایات دستجات فیل های جنگی هندیها تدبیری اندیشیده دستور داد از محل اردو چهل نفر شتر حاضر کردند که در دو سمت جهاز هر يك از آنها دو تنور بار شده و در هر تنور قدری چوب و بونه خشک ریخته بودند که در موقع تعرض آنها را آتش زده و شترها را با تنورها مشتمل بجواب فیل برانند که نادر شاه بخومی می دانست هیولای این حیوانات ندیده با آتش که در پشت داشتند باعث وحشت و رم خوردن فیلها خواهد گردید و فیلها تا چار پشت میدان جنگ نموده بطرف اردوی خودی فرار خواهند نمود. این ترتیب اسباب اختلال صفوف هندی کاملاً فراهم خواهد شد بهمین لحاظ دستور صادر شد که شترهای مذکور را پشت خط اول نگاهدارند و بونه های پشت آنها را فقط با امر فرمانده کل قوا آتش بزنند.

که خود نادر شاه به رئیس توپخانه قبلاً معین کرده بودند. (۲۵)
 روز هیجدهم فوریه در ساعت هشت صبح تمام قوای ایران با آرایش جنگی فوق الذکر در محل های معینه در میدان نبرد کاملاً استقرار یافت و خود نادر شاه هم مسلح و مجهز شده با هیئت قرار گاه کل در جناح چپ خط اول محاربه قرار گرفت ولی برای تعرض حکم قطعی صادر نکرد و در ضمن دستور داد: « تا زمانی که وضعیت و مقصود دشمن روشن و معلوم نگردد نباید شروع به اقدام نمود. » بنابراین قوای ایران در مرحله اول محاربه حالت دفاعی بخود گرفته منتظر عملیات هندیها بودند.

بعد از ظهر جناح راست هندیها که همه سوار بودند شروع بتعرض مینمایند ولی عمده قوا در خط اصلی حالت دفاعی بخود گرفته توپخانه آنها دستجات اکتشافیون ایرانیان را که در بین جبهه طرفین مشغول اکتشاف و خدمت قراولی داشتند مورد شلیک قرار داده و بعد محاربه با توپخانه از مسافت دور شروع گشت ولی در جناح شمال وضعیت حالت دیگری بخود گرفته سوار نظام طرفین بطور جدی داخل مقاتله شده بودند.

نادر شاه در مقابل تهاجمات سواران هند ترتیبات ذیل را اتخاذ نموده بعد شروع بتعرض متقابل نمود:

سپاه سوار را با يك فوج پیاده تقویت داده در سمت شمال در جاهای مختلف در کین گاه گذاشت، فقط پانصد نفر تفنگدار به مقابل دستجات مهاجم سعادتمخان و پانصد نفر دیگر را هم به مقابل قوای خان دوران فرستاد که از تهاجمات آنها حتی المقدور جلوگیری نموده داخل محاربه شوند همینکه این تدبیر بکار رفت و آنها مشغول محاربه شدند سوار هائیکه در کین بودند يك مرتبه از سه طرف ریختند و سخت حمله آوردند سواي این چهار هزار سوار از قشون نادر شاه يك نفر داخل محاربه نشد مگر خود معظم له با هزار نفر سواران افشار به اطراف حرکت میکرد و سوارها را تشویق مینمود و دستور العمل میداد و بقیه سپاه سوار بر حسب حکم در حدود استعداد کل (که در مقابل قوای عمده هندیها بود) صف کشیده بودند، هر طایفه بجای خود وحاضر بودند که بيك فرمان به امداد بینایند ولی اتفاقاً بوجود آنها احتیاجی پیدا نشد. این چهار هزار سوار

(۲۵) اختیار موقعیت جبهه محاربه تداعی اهمیت فوق العاده دارد لذا می بایستی موقعیت را طوری انتخاب

و هزار نفر پیاده قبلاً از تهاجمات سوار نظام هند جلوگیری نموده بعد بایک تعرض متقابله صفوف آنها را عقب رانده قدری پیشرفت نمود. محاربه با شتراک پیاده نظام تا دو بعد از ظهر طول کشید؛ طرفین در این سه چهار ساعت مجدانه جنگیدند ولی بعد از یکساعت چون هندیها بیش از حد تلفات داده بودند از میدان تبرد با کشیدند و سپاه سوار ایران آنها را سخت تعقیب نمود و از صاحبمنصبان هند شیر جنگ خان و چند نفر از اقوام خان دوران که یکی از رشیدترین صاحبمنصبان هند بود اسیر شدند (مراد خان) چند زخم منکر برداشت و (مظفر خان) رئیس فوج اول سوار و چند نفر صاحبمنصب دیگر هند کشته شدند و بعضی دیگر زخمدار به اردوگاه هند برگشتند و عده کثیری در میدان محاربه بجاک هلاک افتادند.

سپاه سوار ایران قوای هند را تا حدود خط مدافعه هندیها تعقیب نموده بعد با حکم فرمانده کل بخط اصلی برگشتند.

عقب نشینی سواران هند هیاهو و قیل و قال غریبی در اردوگاه تولید نموده و اغلب بنه سواران هند را فراریان خودشان بتاراج بردند.

در موقع غروب جناح راست جبهه هندیها در نتیجه شکست سواران بدون جبهه و فشار ایرانیان متزلزل شده و یک قدری جبهه بشکل منحنی بطرف عقب رفت و از افراد بعضی افواج نیز فرار کردند. در میان این اغتشاش فرمانده کل یعنی محمد شاه بسنگرهای نظام الملك که در مقابل اردو بود رفت و به اتفاق وزراء و امرای لشکر از سنگرها خارج شده و صفوف قشون را آراسته که نگذارند سوار نظام ایران بیشتر جلو بیایند ولی آثر شب نرسیده بود این تدابیر فائده نمی بخشید و در همین روز کار یکسره میشد زیرا نادر شاه عموم قوا را برای تعرض قطعی حاضر ساخته و توپخانه نیز شروع به بمباردمان کرده، بعد از غروب آفتاب در طول جبهه سکونت حکمفرما بود.

مصدمات خونین جناح جبهه کرنال قوای روحیه قشون هند را بکلی متزلزل ساخته و روحیه تمام صاحبمنصبان را دچار تزلزل و انحطاط نمود. یک ساعت بعد از غروب آفتاب محمد شاه پس از نفتیش جبهه به چادر خود برگشت. جمعی از قشون هند صککه بدون تکلیف و پریشان در پشت سر جناح راست متوقف و جمعی از آنها مساوطلب بنه و بار بودند نظیر «دهلی» فرار کردند.

شب در بین قراولان طرفین تیر تفنگ رد و بدل میشد. و هر دو طرف بحال بیداری بسر برده و برای يك محاربه خونین آماده بودند.

فردای آن روز (نوزدهم ماه) محاربه در طول خط کرناک مجدداً شروع شد و ناظرین سواران طرفین در جناحین و توپخانه در مرکز مشغول محاربه بوده ولی مقاومت ظهر هندیها شروع بتعرض نمودند، در جلو صف حمله قسریب هزار زنجیر قیل جنگی با کمال تأنی حرکت مینمودند، متعاقب آنها عموم پیاده نظام سبک با تفنگ های کوتاه و خنجر در تحت فرماندهی خان (دوران) و در دنبال آنها پیاده سنگین بالغ بر چهل هزار نفر در تحت ریاست (سعادتخان) در حرکت بودند؛ خود محمد شاه با سایر قسمت های قشونی و تمام توپخانه، قوای احتیاط را تشکیل و در خط اصلی مدافعه مانده نسبت به اوضاع آتیه محاربه، هم برای تعرض و هم برای دفاع خود را حاضر ساخته بودند.

قوای ایران در مرحله اول محاربه حالت دفاعی داشتند توپخانه ایران طرف صفوف قیلها و پیاده سبک هندیها سرعت تیر اندازی میکرد و همینکه صف قیل ها نزدیک بمواقع ایرانیان شدند با مر نادو شاه تنور های دشت شترها را دفعماً آتش زده و آنها را در جلو خط مقدم جنبین نزدیک به سوار نظام حرکت در آوردند ولی حرارت آتش متدرجاً زیاد شد و پشت شترها را طوری گرم نمود که تمام آنها يك مرتبه از جا کنده و صدا بفریاد بلند ساختند و در این موقع توپخانه نیز صف قیلهای جنگی هندیها را هدف شلیک خود قرار داده مرتب میکوبید. قیلهای صف حمله هندیها به مشاهده این منظره غریب و موحش، دچار ترس و هیجان شده صف های محاربه را خراب و تماماً بدور یکدیگر جمع شده و دفعهٔ رو بهزیمت گذاشته و خود را بقلب صفوف (خان دوران) زدند.

ایرانیان از وضعیت استفاده کرده ناشیپور علامت هجوم زدند؛ سواران از جناحین و پیاده گان از مرکز شروع بحمله متقابل نمودند قریب يك ساعت طرفین با کمال شدت با اسلحه سرد میجنگیدند و محمدشاه بفوریت پیاده سنگین را به جبهه اصلی بس کشیده ترتیبات دفاعی بخود گرفت ولی پیاده نظام سبک با دستجات دیگر تا مغرب جنگیدند و تلفات زیادی دادند. در این موقع (خان دوران) مجروح و سرش با جمعی از صاحبمنصبان اردو مقتول شد و قسوا از هم پاشیده و بکلی از خط محاربه خارج گردید ولی بحکم محمد شاه فوراً پیاده سنگین مجدداً از سنکرها بیرون آمده در تحت

ریاست سعادتمخان برای تقویت قشون خان دوران بمیدان محاربه هجوم آوردند باز محاربه شدت یافت. و قتیکه محاربه در مرکز با این شدت جریان داشت در جناح شمالی نیز سواران ایران با محاربه نمودند ولی سوارهای نادر شاه بجدی خسته و فرسوده شده بودند که بدون کمک و تقویت امکان پیشرفت برای آنها نبود.

بدین جهت نادر شاه فوراً امر داد که نصر الله میرزا با عده خود بکمک جناح چپ برسد. نصر الله میرزا در اجرای امر بلا درنگ حرکت نمود اما در این موقع به هندی ها هم کمک رسیده و تفوق محاربه در دست هندیها ماند. بعد از این نادر شاه ناچاراً آخرین قوای احتیاط خود را برای تقویت جناح چپ و مرکز بمیدان محاربه احضار کرد. پس از تقویت صفوف جنگی مجدداً ایرانیان شروع به پیشرفت نموده هندیها را تا خط اصلی عقب راندند و در این بین فرمازه قوای دوم هند (سعادتمخان) اسیر میشود و يك قسمت توپخانه آنها نیز در میدان محاربه می ماند بعد از تاریک شدن هوا محاربه خاموش میشد و طرفین در مکان های خود منتظر صبح میشوند.

آن شب طرفین تا صبح بیدار و منتظر عملیات همدیگر بودند

نصف شب محمد شاه برای ترتیبات خط مدافعه (نظام الملك) را خواست، در مسافت مابین سنگرهای نظام الملك و چادر محمد شاه یکنفر نظامی دیده نمیشد و اغلب آنها از تاریکی شب استفاده کرده فرار میکردند. نظام الملك و سر بلند خان و قمرالدین خان و سایر امراء که باقی مانده بودند تا نزدیک صبح در حضور محمد شاه در مسورت بودند، آخر شب به محل های خود معاودت کرده برای دفاع حاضر شدند، روز بعد یعنی روز بیستم ماه صبح زود فرماندهان قشون هند چون دیدند خط مدافعه از جمعیت خالی است و بیم تعرض قوای ایران می رود لهذا طول خط مدافعه را تقلیل داده و سنگرها را به اندازه قشونی که در کرناال باقی مانده بود بیکدیگر نزدیک نمودند و در مسافت مابین چادر پادشاه و سنگرهای نظام الملك مجتمع شده و قشون تمام روز زیر اسلحه و هر دقیقه مترصد آمدن ایرانیان بودند ولی ایرانیها صبح زود شروع بتعرض نکردند بالعکس منتظر خصم و رفع خستگی افراد بودند.

تمام روز بحال وحشت و اضطراب گذشت بعد از ظهر قوای ایران مجدداً برای تعرض آرایش جنگی بخود گرفت ولی محمد شاه وضعیت قوای خود را بکلی خراب و پیریشان میدید و همچنین عده های افراد نسبت بروز قبل تقریباً به نصف درجه تنزیل یافته بود لهذا شخصاً برای متارکه حاضر شده



چند نفر صاحب‌منصب را با بیرق‌های سفید بطرف اردوگاه ایرانیان فرستاد که ترتیب متار که جنک را بدهند. نادر شاه فوراً آنها را بحضور خود پذیرفته و متار که جنک را قبول فرمودند و بقسمت‌های مختلفه قشون امر شد که در مکان‌های خود اردو زده طالایه‌های بزرگ در جلو خود استقرار دهند. قشون‌های طرفین شب را در زیر اسلحه و اسبها بی‌علوفه در زیر زین بسر بردند.

۵ - متار که جنک - روز بیست و یکم ماه نظام الملك و عظیم الدوله از

طرف دولت هند برای قرار داد متار که جنک به اردوگاه نادر شاه رفتند و شش ساعت در آنجا بودند ولی نتیجه و مواد متار که بطور قطع معین نشد و طرف‌نمایندگان هند به جیبه خود برگشتند.

روز بیست و دوم ماه نیز بشور و گفتگو گذشت و شرایط نادر شاه را نمایندگان دولت هند بقرار ذیل قبول کردند:

۱ - پادشاه هند برای امضاء متار که جنک بایستی فردا در قرارگاه فرمانده کل قوای ایران حاضر شود.

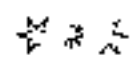
۲ - پس از امضای متار که نامه جنک قشون هند خلع اسلحه شده افراد مرخص بشوند.

۳ - تمام قورخانه و اسلحه و لوازمات جنگی و وسائل نقلیه تسلیم قشون ایران گردد.

۴ - چون قشون ایران در اثر راه بیابانی طولانی خسته و از آذوقه و ملزومات دست

تنگ هستند، باید به پایتخت هند (دهلی) رفته چند روز در آنجا استراحت نماید.

۵ - مذاکرات صلح پس از امضای مواد متار که در شهر دهلی شروع خواهد شد.



ملاقات دو پادشاه در میدان محاربه

روزیست و سوم ماه پادشاه هند برای امضای متار که جنک نامه بطرف اردوگاه ایران حرکت نمود و به کفیل خود امر داد که قشون را مرخص و اسلحه را در یک نقطه جمع آوری و به نماینده ایران تسلیم دهد.

محمد شاه در تخت روان نشست (چتری بالای سر او بسود و یدک و طبل در جلو او) با غازی الدین خان و عظیم‌الله خان پسر وزیر جنک و چند خواجه و درویش نفر سوار از اردو بیرون

رفت همین که مسافتی در منطقه بیطرف طی شد اشاره کرد سوارها ایستادند و خود او با خواجه‌ها و امراء مذکور که هر يك دو باسه نوكر بیشتر نداشتند به اردو گاه نادر شاه رفت در وسط راه طهاسبتخان وکیل به استقبال او آمد و اظهار خدمت کرد بعد نصرالله میرزا اسیر نادر شاه سواره به تخت روان رسیده پیاده شد و بقاعده مملکت خود احترامات لازمه را بجا آورد. محمد شاه نیز از تخت روان پائین آمده نصرالله میرزا را در آغوش کشیده و اعدیه اتفاق رفتند تا به توپخانه اردوی ایران رسیدند. در آنجا جلو نوكرها را گرفتند و پادشاه با دوسه خواجه و امراء گذشتند وقتی که بدر خیمه نادر شاه رسیدند معظم له نیز محمدشاه را استقبال کرده در بغل گرفت و نزدیک خود در روی مسند نشاند و بعد از تعارفات و احوال پرسي و امضای متارکه جنك نادر شاه شرح ذیل به پادشاه هند خطاب کرد: (۱)

- (عجب است که شما اینقدر در امور خود بی قدم و بی اعتنا باشید. با وجود اینکه)
 (مکرر بشما نامه نوشتم و سفیر فرستادم و اظهار دوستی کردم و وزراء شما لازم ندیدند)
 (جواب کافی برای من نفرستند و بواسطه عدم انقاد امر و نظمه امور شما یکی از سفرای ما)
 (بر خلاف تمام قوانین در مملکت شما کشته شد، سهل است وقتی که داخل مملکت شما)
 (شدم گویا شما اعتنائی بکار خود نداشتید، به اقلای فرستید سؤال کنید من کی هستم)
 (و خیال من چیست؟ وقتی من بلاهور رسیدم یکنفر از شما پیغام و سلامی نیاورد سهل)
 (است جواب پیغام سلام مرا هم ندادید. بعد از آنکه امرای شما از خواب غفلت بیدار)
 (شدند تمام وسایل اصلاح را قطع کردند و همه با کمال بی نظمی پیش آمدند که جلو)
 (مرا بگیرند و همه خود را نزدیک دام آورند. اینقدر عقل و احتیاط نداشتند که)
 (اقلای بعضی را بجا بگذارند تا اگر اتفاقی بیافتد بتوانند کاری بکنند و امور را اصلاح نمایند)
 (گذشته از اینها با کمال بیعقلی در میان سنگرهای خود جمع شده اید و تصور نمیکنید)
 (که اگر دشمن قویتر از شما باشد، شما نمیتوانید بی آب و بی آذوقه در آنجا بسر برید و)
 (اگر ضعیف تر از شما باشد، غیر لازم بلکه ناشایسته بود که خود را محصور نمائید. اگر)
 (به دشمن اعتنائی نداشتید و او را آدم متهور و بی ملاحظه می پنداشتید نمیبایستی)
 (شهرت و شخص خود را بخطر بیندازید، یکنفر سردار قابل و صدیق و با تجربه مأمور)

(میگردد در مدت قلیلی او را مستأصل و تلف میگردولی اگر از تجربه و رفتار)
 (بقاعده میترسیدید بطریق اولی نمیبایستی بعد از آنکه او را اینطور بجنک واداشنید)
 (همه چیز خود را بیک مرتبه بمهلکه بیندازید - سهل است بعد از آنکه اینطور خود)
 (را گرفتار کردید و تکلیف صلح کردم ولی شما بتصورات طفولانه و عزم جاهلانه چنان)
 (مغرور بودید که گوش بهیچ نوع مذاکره شایان ندادید و صلاح خودتان را ندیدید تا)
 (بالاخره که بعون خداوند عالمیان و قوت شمشیر مبارزان فیروز دیدید چه روی داد ؟)
 (اجداد شما مملکت را خوب حفظ میکردند ، ولی در دوره شما خراب شد و ما را مجبور کردید)
 (که متحمل خسارت جنگ بشویم ، اما چون تا بحال از خسواتوانده نیمور نسبت به)
 (مملکت و ملت ایران اذیت و ضرری نرسیده من سلطنت هندوستان را از شما خلع)
 (نخواهم کرد ، لیکن چون بیقیدی و غرور شما مرا مجبور کرده که مسافت بعیدی تا اینجا)
 (طی کرده مخارج گزاف نموده ام . قشون ما بواسطه حرکت زیاد خسته و از آذوقه و)
 (ملزومات دست ننگ هستند باید به پایتخت [به شهر دهلی] بیایم « م » و در آنجا)
 (چند روز بمانم تا قشون خستگی بگیرد و خسارت جنگی که با نظام الملك قرار داده)
 (شده تسلیم شود ، بعد از آن شما را بحال خود خواهم گذاشت تا بامور خود بپردازید)

روز بیستم ماه طرف عصر پادشاه هندوستان پس از امضای شرائط مقدماتی صلح بقرارگاه خود
 برگشت . شب بعموم قشون ابلاغ شد که با دولت ایران مصالحه شده و از فردا باستثنای گارد
 شاهی سایر افواج مرخص خواهند شد . (ن)

شب بدون حادثه گذشت ولی هر دو طرف در جنبه های اصلی مواظب و هوشیار بودند .
 در همان شب بشکرانه این فتح بزرگ مجلس جشن با شکوهی در اردوگاه ایران بر پا شد و
 جشن مزبور تا نیمه شب دوام داشت .

روز بعد صاحبمنصبان ارشد هند با شرائط متارکه جنگ بنای مخالفت را گذاشتند ، و اختلال
 شدیدی در قشون ایجاد کردند . در صورتیکه ناصر شاه قید کرده بود که پس از امضای شرائط
 متارکه جنگ مواد آن به موقع اجرا گذارده شود . لهذا آن روز ایرانیان مجبور شدند که قدری

(م) - این ملاقات در بیست و پنج فرسنگی پایتخت هندوستان در قرارگاه کل قشون ایران واقع شده است .

(ن) - این اصول مخالف انضباط بوده ولی فراریان هند طوری زیاد شده بودند که برای جلوگیری از این

جبهه خود را جلو تر برده وضعیت تهدید آمیزی نسبت به جبهه دفاعی هندیها اتخاذ نمایند؛ آنروز ناظر خبری از طرف هندیها نرسید. تمام سرکرده ها و سران سپاه از حضور نادر شاه تقاضا کردند جبهه قشون هند راه ورود هجوم قرار دهند ولی نادر شاه به این اقدام رأی نداد و آنها را متقاعد نمود که هم محمد شاه و هم سرداران او بواسطه فقدان آذوقه و افراد و مرعوبیت بالاخره سر تسلیم پیش خواهند آورد.

در حقیقت همان طوری که نادر شاه حدس زده بود پیش آمد نمود و محمد شاه کاملاً طرفدار صلح بود. زیرا وضعیت قشون خود را بخوبی سنجیده و میدانست که با این روحیه و وسائل با قشون ایران دوباره داخل جنگ شدن ثمر ندارد بنابراین در آن روز مجدداً مجلسی از سران سپاه تشکیل داده وضعیت قشون خود و خصم را به آنها کاملاً توضیح داد و تا نصف شب مجلس شور ادامه داشت بالاخره محمد شاه گفت که «اختیار امور از دست من بیرون رفته و باید یکی از سه کار را بکنم، یا فردا با قشون بسمت دشمن تعرض کرده از جان بکوشم. یا آنکه يك مرتبه سم خورده کار را بکسره و رفع تمام ذات و خیالات و بینوائی را بکنم، یا آنکه بهر تکلیفی که از طرف خصم معین میشود آسوده ن بدم» (۱).

بالاخره سران سپاه قرار دادند که يك هیئتی مجدداً بحضور نادر شاه فرستاده و از معظم له استدعا کنند که (آمدن قشون ایران به پایتخت هند اسباب اغتشاش و موجب اخلال اوضاع داخلی هندوستان است. لهذا در همین جا ممکن است معاهده را تنظیم و امضا نمایند و خسارت جنگ نیز بعد از يك ماه در لاهور بخراجه قشون ایران تسلیم شود) شب بدون حادثه گذشت ولی هر دو طرف هوشیار و مواظب اطراف خود بودند.

صبح روز بیست و پنجم ماه فوریه نمایندگان هندوستان (نظام المالك و عظیم الله خان) بحضور نادر شاه رفتند، هیئت اعزامی هندیام دولت را به نادر شاه عرض کردند (ل) و قریب

(۱) — اقتباس از تاریخ هند. ج - ق

(ل) — روز بیست و پنجم ماه هر دو طرف مشغول دفن مقتولین بودند تلفات در محاربه (۱۷۰۰۰) نفر بود و ضایعات قوای ایران از (۲۰۰۰) نفر تجاوز نمیکند. جسد های مقتولین هند در مسافت سه فرسخ متفرق بود مامورین صحبه هند که (بیلدار میگفتند) قدری خاک روی جسد ها ریخته برگشتند ولی ایرانیها تمام مقتولین و مجروحین خود را از میدان محاربه جمع کرده در محل مناسبی قرار دادند و همان شب کشتهها را دفن کردند. از قشون هندوستان جمعی پنهان زخم برداشتنند که قادر بر حرکت نبودند و کسی آنقدر به آنها رحم نکرد که از میدان جنگ به محل مناسبی آورده و معالجه کند. بپاها در اندک زمان در میان جسد کشتگان مردند.

از تاریخ هندوستان اقتباس شد — ج ۱ ق

شش ساعت در اطراف آن مذاکره شد و بالاخره نادر شاه فرمود که (چنانچه مایل به صلح باشید باید شرائط اولیه ما را بدون گفتگو قبول کنید).

نهایتگات سه ساعت از شب رفته بحضور محمد شاه برگشتند و از آنچه را که نزد نادر شاه مذاکره شده بود بعرض رسانیدند.

روز بیست و ششم ماه محمد شاه ناچار تصمیم گرفت که مطابق شرائط اولیه نادر شاه رفتار نماید. سه ساعت قبل از ظهر به اردوگاه نادر شاه رفت و تمام مسائل را حل کرده بعد نه اردوگاه خود مراجعت کرد.

روز ۲۷ ماه افواج غیر دائمی هند که نصف بیشتر آنها قبلاً متفرق شده بودند مرخص گردید.

از طرف نادر شاه هم توپچی باشی (رئیس توپخانه کل) و نسقچی باشی با چهارصد نفر سوار برای خلع اسلحه به قرارگاه کل هند آمدند.

توپچی باشی مأمور بود که بهمراهی سعد الدین خاں، تمام توپخانه محمد شاه و امرا را ضبط نماید و نسقچی باشی نیز به معاونت فخر الدین خاں مأموریت داشت که خزانة و جواهرات و اسلحه خانه و تمام اثاثیه و اسباب و اسلحه متعلق به محمد شاه و امرای مقتول را بتصرف در بیاورد.

روز بیست و هشتم ماه قشون هندوستان کاملاً خلع سلاح شده و اموال محمد شاه و امراء که در قرارگاه بود تسلیم مأمورین نادر شاه شد. در وقت عراده آویز با مهمات زیاد و کلیه قبیل های جنگی و مقدار کثیری اسلحه. بیاید نیز تا ایم نهایتاً دولت علیه ایران گردید.

روز بیست و نهم ماه قرارگاه کل قشون هند ملغی و جزو قرارگاه ایران شد و يك قسمت از غنائم جنگی را باخزانة و سایر اموال متصرفی با عده مخصوص به شهر کابل فرستادند که از آنجا به قندهار روانه نمایند. در همان روز نادر شاه بمیزان مواجب ۱۰ ماهه بتمام آحاد و افراد اردوی خود از سرباز و خدمه بازارچی و غیره... انعام اعطا فرمود.

روز اول ماه مارس طهماسبخان وکیل با چهار هزار و پانصد نفر تفنگدار به

(شاه جهان آباد) مأمور شد که قلعه را بتصرف در آورد. (ن) موقع غروب عده مذکور وارد محیط قلعه شد ولی شروع به اقدام نکرده راجع به وضعیت و استعداد ساخلوی قلعه راپورتی به قرار گاه فرستاد.

روز غره ذیحجه نادر شاه مشغول تهیه وسایل حرکت به (شاه جهان آباد) شد و دو ساعت بطلوع آفتاب مانده روز بعد بایست هزار نفر سوار و نداده منتخب رو برانهاد و محمد شاه با چهل نفر از معتبرین و ده هزار نفر از سواران ایران فاصله نیم فرسنگ عقب نادر شاه بود. در يك طرف سر بلندخان با اتباع خود و پشت سر او خدعه و بنه محمد شاه بود، در طرف دیگر اتباع و بنه نظام الملك و فخر الدین خان قرار داشت و فاصله هر دسته ربع فرسنگ و يك میدان بیش بود که درین هر يك از این دسته ها سوارهای ایران برای این کاشته شده بودند که نگذارند قسمتهای مختلفه بیکدیگر ملحق شوند یا از جایی که برای آنها معین شده تجاوز نمایند.

روز چهارم ماه ذیحجه قبل از رسیدن استعداد کل قوا تیپ طهماسبخان قلعه شاه - جهان آباد را تصرف در آورد. روز سه شنبه ششم ذیحجه قشون ایران از قصبه «سنیوط» حرکت کرده به قریه «نیرلا» آمدند.

در مدت شش روزی که قشون ایران در راه بود محمد شاه با وزراء و درباریان خود بمعیت اردو حرکت میکردند ولی از سه فرسنگی شهر دهلی برای تهیه و تدارکات مقدمات ورود نادر شاه افشار اجازه مرخصی حاصل نموده جلوتر از اردو بشهر وارد گردید روز هفتم ماه نادر شاه با قرار گاه کل ساء سوار به باغ «شلیهار» وارد شد.

۶ - اشغال پایتخت هند و ستان «بدون محاربه»

با وجود اینکه بموجب متارکه نامه جنگ قشون هندوستان مرخص شده بود ولی باز در شهر (دهلی قبل از ورود قشون ایران قریب دو فوج با بیست عراده توپ موجود بود؛ لهذا نادر شاه مراسله فوری به محمد شاه نوشته و مقررداشت که اسلحه آنها را قبل از اینکه وارد شهر بشود تسلیم نماید.

روز پنجشنبه هشتم ذیحجه نادر شاه با جلال و کواکه نام وارد شهر دهلی شد، دولت هند از دروازه غربی شهر (دروازه مخصوص به سلاطین) تا ارك دولتی تمام خیابانها را با قالی

(ن) - شاه جهان آباد قلعه ایست که در يك فرسنگی طرف شمال راه دهلی واقع و در موقع متارکه جنگ ساخلوی آن بحکم محمد شاه مخالفت کرده خلع سلاح نشده بودند لهذا نادر شاه قبل از حرکت اردو بطرف پایتخت ضبط قلعه مزبور را امر فرموده اند. از کتابهای جغرافی هند - ج - ق

و شالهای قیمتی مفروش نموده بود، به ورود دروازه توپها مشغول شلیک شدند و اهالی در دو سمت خیابانها صف کشیده هلهله کنان ورود قشون قانع ایران را تبریک میگفتند. (ل) جلو دروازه ارك دولتی محمد شاه با تمام رجال و وزراء به استقبال شاهنشاه ایران شتافته و متفقاً بعمارت ارك ورود نمودند.

نادر شاه از مراسم پذیرائی با شکوه اهالی اظهار رضایت نموده محمد شاه را کماکان در خود ارك منزل داد و با کمال مهربانی با او رفتار نمود و برای قدردانی از این پذیرائی شایان دولت هند، نادر شاه به کلیه قشون احکام سخت صادر و قدغن آکید نمود که نظامیان ضرروبی احترامی نسبت به اهالی نرسانند و به نسقچی ها که مواظبت این امور با آنها است نیز حکم شد که هر کس به هندیها اذیت کند از هیچگونه تنبیه و سیاست مضایقه نکنند.

در مدت سه چهار روز اول ورود قشون ایران سکونت و آرامش شهر بحدی بود که نظامیان ایران بدون اسلحه ناریه در کوچه و بازار عبور و مرور میکردند ولی روز چهارم دژبان دهلی راپورت داد که اهالی شهر آرام نیستند و خیال شورش دارند. (ص)

روز شنبه دهم ماه نزدیک عصر شورش شروع شد و جمعی هم از نظامیان ناراضی به آنها ملحق شده نسقچیها را با عدهای از نظامیان ایران که بخريد غله آمده بودند کشتند. همینکه قضیه بعرض نادر شاه رسید، فوراً سپاه سوار را بشهر احضار و شخصاً بهمان میدانی که جمعیت ازدحام نموده بود حرکت کرد. ورود نادر شاه به محل مزبور تا اندازه باعث تفرقه جمعیت گردید. نادر شاه در راه نعلش جمعی از قشون خود را دید که پیش از ظهر کشته شده بودند، قبلاً يك دسته سوار به اطراف فرستاد که مردم را آرام کنند و حکم کرد که اگر تهدید و وسایل دیگر اثر نبخشید تا اسلحه جلو گیری کنند. ولی ابتدا به آنهائی که داخل شورش نیستند صدمه وارد رسانند. اول قشون ایران با نسقچیها به آرامی و ملایمت حرکت کردند ولی مردم بجای اینکه آرام شوند، بر

(ل) — با اینکه دولت هند آسایش داخلی شهر را برای ورود قشون ایران مرتب کرده نازاسیاب ناراحتی خاطر بود لهذا نادر شاه روز هفتم ماه با بیست هزار سوار و ده هزار پیاده و پنج عراده توپ با احتیاطهای لازمه بشهر وارد شد و بقیه قشون را در خارج شهر گذاشت. « از تاریخ هند اقتباس شد »

(ص) متعصبین و علماء شهر دهلی در اغلب نقاط شهر مجالس سری تشکیل داده بر علیه قشون ایران شروع به تحریکات نمودند، بالاخره قرار گذاشتند که روز شنبه به قرار گاه کل ایران حمله نمایند. — (از تاریخ هندوستان) —

جسارت خود افزودند و بدون هیچ واژه شروع به تیر و تفنگ کردند. نادر شاه بطرف مسجد روشن الدوله که نزدیک به محکمه (کوئال) بود روانه شد و اهالی شهر در نزدیک مسجد بالای پامهای خود رفته شروع بشلیک و تیراندازی نمودند از یکی از این نامها یکی از پنجه‌ها یک تیر مخصوصاً رونه نادر شاه انداختند و این تیری که از صاحب‌منصبان که نزدیک ایشان ایستاده بود اصابت نموده و او را از پا درآورد. این قضیه سبب شد که نادر شاه برای حفظ امنیت پایتخت و سلامتی قشون خود حکم نماید که از آن محل شروع به قتل عام کنند.

خونریزی از بازار صرافان که چار قلعه است تا عید گاه قدیم که یک فرسنگ مسافت دارد در گرفت و شش ساعت طول کشید و بالاخره نظامیان ایران موفق شدند و تمام شورشیان را از بین برده و به انقلاب خاتمه دادند.

روز بعد مقارن ظهر صدر اعظم و فخر الدین خان که نسبتاً بی طرف بودند به نزد محمد شاه آمده و او را برای شفاعت به حضور نادر شاه روانه نمودند. پادشاه هند در صحن مسجد روشن الدوله شرفیابی حاصل نموده، اکتال عجز و تضرع استدعای عفو عمومی نمود و نادر شاه بنابر تمنای او حکم عفو عمومی صادر کرد، به دای طبل اعلام شد که دیگر باهالی صدمه نرسانند.

روز در شنبه دوازدهم ماه ذی‌حجه مجدداً امنیت برقرار شد. بموجب حکم نادر شاه اسراء را بخانه های خود برگردانیدند.

روز سه شنبه سیزدهم ماه ذی‌حجه نادر شاه از این راه نادر شاه مأمور کرد که اساحه و توپهای قوای روح الله خان را بتصرف در آورند و در آنجا تیرج در ساعت هشت شروع به محاربه نمودند. هندیهای ساخو آنجا تا ظهر مقاومت کردند و در آنجا از ظهر تسلیم شده و در شهر سکونت حکمفرما گردید.

روز چهارشنبه چهاردهم ماه حکومت نظامی اعلام و امنیت برقرار شد. (ق) و در

(ق) - روز پنجشنبه پانزدهم ماه جون ۱۷۰۴ میلادی در اطراف قلعه و بازارها و جاهای دیگر افتاده و تعفن کرد بود و در آنجا شهر هر کسی را در کوچه دیدند مجبور کرده و به بیرون بردن نیشها و داشتنند و بعضی از نیشها را طاب یا سسه به سر و شکر کشیدند و بعضی را به رو خانه انداختند.

خارج و داخل شهر انتظامات حکمفرما کردید

روز جمعه شانزدهم ماه نادر شاه یادداشتی راجع به قرار داد صلح از قصر « شلیهار » به محمدشاه ارسال و اخطار نمود که در بیست و یکم ماه معاهده صلح به امضا برسد و نیز در همان روز فرمانی صادر کردید که تمام مملکت ایران بجز ولایات جدید ناسه سال از پرداخت مالیات معاف باشد. روز هفدهم ماه توسط محاکمات کشوری محرکین اصلی این فتنه و فساد که سید نیاز خان و علیمحمد خان بودند دستگیر و اعدام شدند.

روزیکشنبه هیجدهم ماه قسط اول خسارات از خزانه دولت هند بطور علی الحساب در یافت گردید.

روز دو شنبه نوزدهم ماه کمیسیون خراج و خسارات جنگ دو باره تشکیل و تمام روز مشغول نوشتن اسامی و سیاهه کردن بودند. بعد از ظهر چند نفر از مقصرین اعدام شدند.

روز سه شنبه بیستم ماه کمیسیون غرامات جنگ بکارهای خود خاتمه داده قسط دوم خسارات جنگ نیز به حیطة وصول درآمد.



فصل ششم خاتبه جنک

۱ - انعقاد صلح و معاهده شلیمار - نادر شاه پس از مضمحل

نمودن قشون هند در صحرائی « کرناال » وضبط پایتخت آن دولت و برقرار نمودن امنیت و آسایش تصمیم گرفت که بفوریت معاهده صلح را به امضاء رسانده، قسمت شرقی رود « سند » را تخلیه نماید. روز بیست و یکم ماه تمام امرای هر دو دولت بحکم نادر شاه قبل از طلوع آفتاب در حضور محمد شاه حاضر شدند، در آنجا چهل و دو خلعت که نادر شاه برای امرای فرستاده بود پوشیده شد در ساعت ده صبح محمد شاه تیموری با هیئت وزراء بحال پیاده نادر ب عمارت « شلیمار » که نادر شاه در آنجا بود آمدند.

در ساعت یازده و نیم دو پادشاه صورت معاهده را امضا ورد و بدل نمودند که شرح آن از قرار ذیل میباشد:

۲ - صورت معاهده ایران و هند سابقاً. وزیرای اعلیحضرت بهرام صولک

مریخ سطوت قهرمان زمان سلطان السلاطین دوران شاهنشاه عالیان ظل الله اسلامیان پناه مکندر حشمت هراش سریر سلطان با عدل و داد و پادشاه سپهر نهاد نادرشاه افشار خلدالله ملکه و سلطانه، سفرای کبار به این دربار برای قرار بعضی امور فرستاده بودند ما نیز بموافقت مایل بودیم و بعد از آنهم محمدخان ترکمان برای تذکار از شهر « قندهار » رسید ولی وزراء و کارکنان ما سفرای مزبور را معطل کرده و جواب نامه اعلیحضرت معظمه را تاخیر انداختند از این راه نقاری فیما بین حاصل شد و قشون طغر عون ایشان بحدود هندوستان حرکت کرده طرفین در نقاط مختلفه و در صحرائی کرناال تلافی نمودیم، جنگی شاهانه در گرفت و از آنجا که تقدیر الهی بود آفتاب نصرت و فروری از مشرق اقبال بیروان ایشان طالع گردید و چون اعلیحضرت چشمه قدرت معظمه منبم رأفت و فتوت است با اعتماد سردانگی و و اتکال همراهی ایشان مسرت ملاقات دست داد و در محفل فردوس آئین بهجت صحبت روی نمود بعد از آن به اتفاق به « شاه جهان آباد » آمدیم، در آنجا خزانه و جواهرات و اشیاء قیمه سلاطین هندوستان را بنظر ایشان عرضه داد و بطور شایان هدیه کردیم اعلیحضرت معظمه به خواهش ما بعضی را قبول و بملو همت و فرط محبت و ملاحظه بزرگی خانواده گورگان و افتخار شجره طرخان تفقد کرده تخت و تاج هندوستان را بما واگذار کردند. در اثناء این ملاقات که از پدر به پسر و از برادر برادر ظاهر نمیشود ما یکصد و پنجاه کرور تومان خسارت « جنک » و تمام ممالک واقع در مغرب رود خانه (اتک) و (آب سند) و (نالاسنک) را که

به از شعبات رودخانه سند است، یعنی [پیشاور] و مضافات ایالت [کابل] و [غزنین] و کوهستان افغانستان هزاره جات و دربندها را باقله [بکرسنگر] و [خداوند] و اراضی و دربندها و مسکن جوکیها و بلوچها بره... بانضمام ایالت [تنه قلعه رام] و قریه [طریین] و شهر [چن] و [سوالی] و [کترا] با تمام منی و قراء و قلعه جات و شهرها و بندرها از ابتدای سرچشمه «روداتک» با تمام دربندها و آبادیها که خانه اتک باشعابی که بدان محیط است تا [نالاسنک] را که مصب رود است پدربا به دولت علیه ایران گذار میکنیم. خلاصه تمام محال واقعه در مغرب رود اتک و آن صفحات و مغرب رود سند و نالاسنک به ممالک این پادشاه قوی شوکت است، از این تاریخ به بعد عمال و کارگذاران ایشان داخل صفحات کوره شده و آنها را بقصر در آورده زمام حکومت و حکمرانی آن صفحات و طوایف و اهالی آنجا بدست بگیرند. عمال و کارگذاران ما باید صفحات مذکوره را تخلیه نموده و از ممالک ما موضوع نسته و تمام حقوق حالیه و گذشته خود را (حکمرانی و نظم و نسق و اخذ مالیات) از آنجاها ساقط بدانند. به و شهر لهری بندر با تمام ممالک واقعه در مشرق رود اتک و رود سند و نالاسنک کهما فی السابق و سلطنت هندوسنان خواهد بود.

مورخه ۳۱ محرم الحرام سنه ۱۱۵۲

در باغ شلیمار

نادر شاه

محمد شاه

افشار

تیپوری

✽ * ✽

۳ - تخلیه هندوستان و ختم جنگ - بعد از امضای معاهده

«شلیمار» و گرفتن خسارات جنگ از تاریخ روز جمعه ششم ماه صفر ۱۱۵۲ ایرانیان به تخلیه اراضی شرقی رود «سند» پرداختند. شب قبل از بانی شهر در همه جا اعلان کرد که بعد از حرکت اردو هیچ يك از نظامیان و اشخاصی که همراه قشون آمده اند در شهر نمانند و هیچ کس آنها را در خانه خود نگاه ندارد و پنهان نکند - و اهل اردو احدی را اسیر همراه خود نبرند.

روزشنبه قرارگاه کل از شهر دهلی به باغ «شلیمار» حرکت نمود و احکام لازم برای ترتیب حرکت ستونها از شهر صادر گردید.

روز یکشنبه هشتم ماه نادرشاه در شلیمار قشون را سان دیده و بعد از ظهر موکب ملوکانه پس از پنجاه و شش روز اقامت در پایتخت هندوستان (دهلی) با کاروان ثروت فتح و ظفر و غنائم بطرف ایران حرکت نمود.

نادر شاه تا به نزدیک شهر (لاهور) همواره با آرایش جنگی حرکت مینمود و پس از ورود باین

شهر سه روز برای استراحت و آسایش اردو در آنجا اقامت نموده بطرف افغانستان حرکت کرد. در مدت یکماه و نیم قسمت شرقی رود سند را ایرانیان تخلیه کردند ولی نواحی غربی رود یعنی افغانستان، بلوچستان رفته رفته یکی از ایالات مهم ایران شد و بالاخره نادر شاه به مقصودی که علت اصلی این جنگ مهم بود تأمل شد یعنی سرحدات شرقی ایران را به حدود طبیعی خود رسانیده و انتظامات دائمی بطور دلخواه برقرار نمود.

۴ - نتیجه جنگ - نتیجه جنگ ایران و هند این شد که اولاً دولت ایران مثل

سابق یکی از دول معظمه قطعه آسیا شده نصمت و قدرت خود را به دول همجوار نشان داد. ثاباً معاهده‌ای با دولت هند منعقد ساخت که بموجب آن تمام اراضی واقعه در ساحل یمن رود سند با انضمام دو مملکت مهم (افغانستان و بلوچستان) بدولت ایران واگذار و قرار شد اراضی ساحل یسار رود مزبور نیز در اداره دولت هند ولی در تحت نظارت دولت علیه ایران واقع باشد. (در دوره قرون اخیری حصول چنین اقتدار و عظمت البته کار بسیار مهم بشمار میرود.)

ثالثاً مبلغ هنگفتی که بعنوان خسارت جنگ در يك قسط از دولت هندوستان اخذ شده و وضعیت مالی و اقتصادی مملکت ایران را اصلاح و به بحرانهای اقتصادی که بعد از دوره شاه عباس کبیر شروع شده بود خاتمه داد.

رابعاً از حیث اسلحه و ملزومات جنگی قشون ایران بواسطه غنائمی که به تصرف اردوی ایران درآمد؛ عبارت از يك قسمت عمده توپخانه، عده زیاد فیل های جنگی و مقدار کثیر اسلحه بود؛ خود را غنی کرده عده ساخلوی مواقع صلح لیش از سابق گردید.

۵ - ملاحظات: راجع به جنگ ایران و هند - جنگ ایران و هند در

۴ سنبله - ۱۱۵۱ شروع و در ۸ - ماه صفر - ۱۱۵۲ خاتمه پذیرفت و در طول این مدت قشون ایران در روی يك خط سوق الجیشی طولانی بطور سریع حرکت نموده مهلتی به دشمن خود نداد که حتی بيك فتح کوچکی هم موفق بشود؛ با اینکه قوای مقدم قشون هند در افغانستان و در حدود رود «سند» منتهای رشادت و شهامت را از خود ابراز داشته و در محاربات کوهستانی سخت کمال باینداری را بخرج داد؛ ولی چون در این موقع در هندوستان امور مملکت روز

بروز روبه اختلال میگذاشت لهذا قوای عمده دولت هندوستان نتوانست از روی اصول نظامی خود را آماده جنگ سازد. با اینکه در صحرای «کرناک» بیش از دو بیست هزار نفر قوا تمرکز داده بودند باز موفق نشدند که از تهاجمات ایرانیان جلوگیری نمایند. گرچه بعضی اوقات در صدد فلج کردن مانور های قشون ایران بوده و به تهاجم مختصری هم اقدام مینمودند، ولی موفقیت حاصل نمی کردند. خلاصه در اواخر قرون اخیری (جنگ ایران و هند) مدلل ساخت که انتظام و تشکیلات قشون و همچنین اسلحه و تعلیم و تربیت افراد باعث موفقیت میشود و الا کثرت قوا در محاربه مداخله مهمی نخواهد داشت. چنانچه در این جنگ بطور آشکار دیده شد که در اغلب محاربات استعداد قوای هند بیش از ایرانیان بوده ولی تعلیم و تربیت و انتظام آنها با ایرانیها ابدأ قابل قیاس نبود. خلاصه عملیات قوای ایران در طول مدت جنگ قابل تنقید نیست و بالعکس شایان تحسین و تمجید میباشد.

اتها